

تحلیلی بر چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی

معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی
دفتر: مطالعات اجتماعی

کد موضوعی: ۲۱۰
شماره مسلسل: ۱۴۱۶۸
بهمن‌ماه ۱۳۹۳

به نام خدا

فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه	۱
۱. خاستگاه چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی در ایران	۴
۱-۱. تقاضای پایین اقتصاد	۴
۱-۲. اشتغال‌پذیری پایین دانش‌آموختگان	۸
۱-۳. ناهماهنگی بازار کار دانش‌آموختگان و بازار خدمات آموزش عالی	۹
۱-۴. فضای فرهنگی و اجتماعی	۱۳
۲. تغییرات جهانی و چالش‌های پیش‌روی آموزش عالی در ایران	۱۴
۳. راهبرد مناسب برای ارتقای تقاضای اقتصادی برای دانش‌آموختگان	۱۵
منابع و مأخذ	۱۶



تحلیلی بر چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی

چکیده

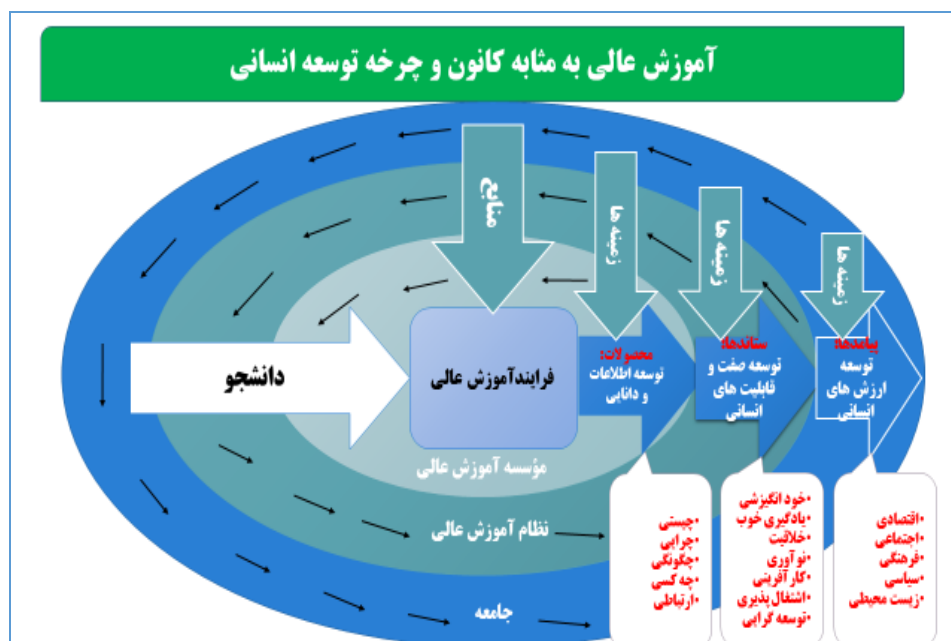
امروزه هدف نهایی هر کشوری دستیابی به توسعه انسانی پایدار است؛ این هدف بدون توسعه یادگیری مادام‌العمر و آموزش عالی فراگیر تحقق نخواهد یافت؛ البته توسعه یادگیری مادام‌العمر و آموزش عالی فراگیر نیز به خودی خود به توسعه انسانی پایدار منجر نمی‌شود. شرط لازم برای اثربخشی آموزش عالی در این رابطه، اشتغال پایدار و کارآفرینی مؤثر دانش‌آموختگان آموزش عالی در نظام اقتصادی است. هدف گزارش حاضر راستی‌آزمایی وجود این شرط در اقتصاد ایران است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که دانش‌آموختگان دانشگاهی در ایران اشتغال و کارآفرینی اثربخشی در اقتصاد کشور ندارند. بررسی‌ها حکایت از آن دارد که عوامل متنوعی در ایجاد این مسئله دخالت دارند؛ ضعف ساختاری نظام اقتصادی، دانش‌بری پایین فعالیت‌های اقتصادی، سطح پایین فناوری و نوآوری، ضعف کارآفرینی مبتنی بر دانش، کیفیت پایین آموزش عالی، ضعف مهارت‌های اشتغال‌پذیری و کارآفرینی در دانش‌آموختگان، عدم تطبیق عرضه و تقاضای سرمایه انسانی و سیاست‌های نامناسب در اقتصاد و آموزش عالی، از این جمله‌اند.

مقدمه

هدف نهایی همه ملت‌ها (آشکار یا ضمنی) توسعه انسانی پایدار است. یادگیری خوب به‌طور عام و آموزش عالی به‌طور خاص کانون و مؤلفه مهمی از چرخه توسعه انسانی پایدار در سطوح خرد و کلان محسوب می‌شوند. آموزش عالی با نهادهای سازمی و به جریان درآوردن اطلاعات، دانش، صفت‌های حسنه، قابلیت‌ها و ارزش‌های انسانی در وجود افراد و جامعه، توسعه انسانی پایدار را به ارمغان می‌آورد. البته بسترهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نقش مهمی در این فرآیند دارند (شکل ۱). در واقع، آموزش عالی در یک کشور زمانی اثربخش خواهد بود که بتواند هر چه بیشتر و بهتر به توسعه انسانی کمک کند. شرط لازم برای کمک آموزش عالی به توسعه انسانی پایدار، اشتغال پایدار و کارآفرینی مؤثر دانش‌آموختگان آموزش عالی در نظام اقتصادی است. اشتغال پایدار و مؤثر دانش‌آموختگان آموزش عالی به این معناست که:

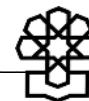
۱. تمام افرادی که به‌منظور دستیابی به شغل بهتر و درآمد بالاتر تحصیل کرده‌اند، بتوانند شغل مناسب خود را پیدا کنند (بیکاری وجود نداشته باشد) و تا زمانی که دوست دارند شغل مناسب خود را داشته باشند،
 ۲. دانش‌آموختگان از طریق شغل خود بتوانند برای خود، سازمان خود و کشور خود مفید باشند،
 ۳. تطبیق لازم بین «دانش، مهارت و گرایش‌های مورد نیاز برای تصدی شغل موجود» و «دانش، مهارت و گرایش‌های دانش‌آموخته آموزش عالی» وجود داشته باشد،
 ۴. دانش‌آموختگان آموزش عالی دارای بهره‌وری مناسب در فعالیت مربوطه باشند،
 ۵. دانش‌آموختگان آموزش عالی در شغل‌هایشان یادگیرنده، خلاق و نوآور باشند.
- کارآفرینی مؤثر نیز به معنی ایجاد کسب‌وکار جدید، نوآورانه، مبتنی بر دانش و پایدار در فعالیتهای مرتبط با تخصص فرد است.

شکل ۱. اثر آموزش عالی بر توسعه انسانی پایدار



آمار رسمی سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که در ایران حداقل ۱۵/۳ درصد از نیروی کار دارای مدرک دانشگاهی نتوانسته بودند شغل مناسب خود را پیدا کنند و بیکار مانده بودند؛^۱ حدود ۵۳ درصد از شاغلان، مزد و حقوق‌بگیر دولت و ۲۶ درصد مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی بودند؛ حدود ۱۰/۷ درصد از نیروی کار دارای مدرک دانشگاهی به‌طور مستقل (خوداشتغالی)

۱. البته مسئولان وزارت کار رقم بیکاری دانش‌آموختگان را بیش از ۲ برابر رقم رسمی اعلام می‌کنند (روزنامه آرمان، ۱۳۹۳/۴/۷).

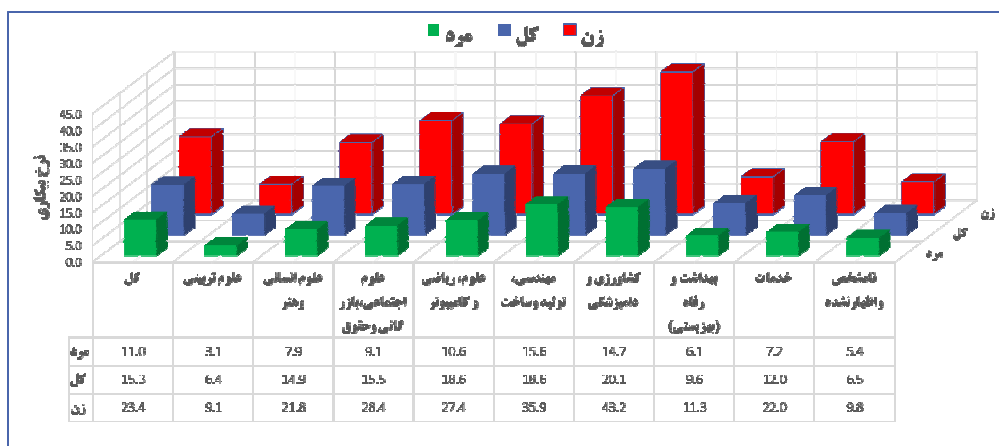


کار می‌کردند و تنها ۳/۲ درصد از آنها به‌عنوان کارفرما مشغول به فعالیت اقتصادی بودند؛ در بعضی از رشته‌ها (ازجمله رشته‌های کشاورزی) تنها ۱۰/۶ درصد دانش‌آموختگان در شغل‌های مرتبط شاغل بودند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). از میان شاغلان مرتبط نیز سهم کمی سطح دانش، مهارت و گرایششان با دانش، مهارت و گرایش مورد نیاز برای انجام شغل، تطبیق داشت.

ایران از نظر جذب دانش، اشاعه دانش، خلاقیت و نوآوری در میان ۱۴۵ کشور جهان به‌ترتیب رتبه‌های ۱۲۵، ۱۳۸، ۱۲۷ و ۱۲۰ را دارد (INSEAD and WIPO, 2013). این عقب‌ماندگی‌ها باعث شده است که بهره‌وری نیروی کار در سطح نازل باقی بماند. بررسی نماگرهای بین‌المللی نشان می‌دهد که ایران از نظر بهره‌وری نیروی کار در میان ۱۴۸ کشور جهان رتبه ۱۳۰ را دارد (WEF, 2013).

نمودار ۱. نرخ بیکاری دانش‌آموختگان برحسب گروه‌های عمده تحصیلی در سال ۱۳۹۰

طبق سرشماری ۱۳۹۰



قرار گرفتن کشور در رتبه ۱۳۰ از نظر بهره‌وری نیروی کار حکایت از آن دارد که آموزش عالی در ایران از اثربخشی و ثمربخشی لازم برخوردار نیست. حال این سؤال مطرح است که چرا آموزش عالی ایران اثربخش نیست؟ مشکل از کجاست؟ دو رویکرد متفاوت در پاسخ به این پرسش وجود دارد: رویکرد جزئی و بخشی‌نگر و رویکرد یکپارچه و جامع‌نگر. در رویکرد بخشی و جزئی‌نگر، بعضی از سیاستگذاران عدم اثربخشی آموزش عالی را ناشی از ضعف نظام آموزش عالی و عملکرد دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی می‌دانند؛ در مقابل، بعضی دیگر از سیاستگذاران و مدیران اجرایی مشکل را از جانب نظام اقتصادی می‌پندارند، اما رویکرد جامع‌نگر مشکل را چندجانبه و پیچیده در نظر می‌گیرد. هدف گزارش حاضر پاسخ به این سؤال با رویکرد جامع‌نگر است.

۱. خاستگاه چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی در ایران

در یک رویکرد جامع نگر، چهارخاستگاه اصلی برای مسائل آموزش اشتغال دانش‌آموختگان قابل ذکر است:

۱. تقاضای پایین اقتصاد برای دانش‌آموختگان آموزش عالی که عمدتاً از ضعف عمومی اقتصادی ایران، دانش‌بری پایین فعالیت‌های اقتصادی ایران، سطح پایین فناوری، نوآوری کم و کارآفرینی اندک ناشی شده است،
 ۲. اشتغال‌پذیری پایین دانش‌آموختگان آموزش عالی که عمدتاً از ضعف برنامه‌های آموزشی و عدم توانایی مؤسسات آموزش عالی در توسعه توانایی یادگیری، خلاقیت و نوآوری دانشجویان ناشی می‌شود،
 ۳. ناهماهنگی بازار کار دانش‌آموختگان و بازار خدمات آموزش عالی که عمدتاً از ماهیت تحصیلات عالی و ضعف رژیم نهادی و نظام انگیزشی توسعه دانایی ناشی می‌شود،
 ۴. فضای نامطلوب فرهنگی، تربیتی، آموزشی و پرورشی که مانع بروز، رشد و شکوفایی استعداد و یادگیری در جوانان می‌شود.
- در ادامه نقش هریک از مسائل یاد شده در عدم اثربخشی آموزش عالی در ایران به اختصار بررسی می‌شود.

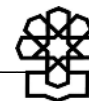
۱-۱. تقاضای پایین اقتصاد

الف) اقتصاد ایران به‌مثابه یک اقتصاد مبتنی بر منابع

آموزش عالی بخشی از نظام اقتصادی است. منابع مالی آن از دیگر فعالیت‌های اقتصادی تأمین می‌شود و دانش‌آموختگان آموزش عالی نیز در فعالیت‌های اقتصادی به‌کار گرفته می‌شوند. هر چقدر سطح توسعه و رقابت‌پذیری اقتصادی بالاتر باشد هم تأمین مالی آموزش عالی بهتر خواهد بود و هم تقاضا برای دانش‌آموختگان آموزش عالی بیشتر خواهد بود، حال آنکه اقتصاد ایران چندان توسعه یافته نیست و پویایی و رقابت‌پذیری لازم را ندارد. سند این ادعا گزارش‌هایی است که «مجمع جهانی اقتصاد»^۱ سالیانه در رابطه با سطح توسعه و رقابت‌پذیری کشورها تهیه و منتشر می‌کند. این مجمع در گزارش‌های خود اقتصادهای جهان را براساس مراحل توسعه به سه گروه عمده تقسیم کرده است:

۱. اقتصادهای مبتنی بر منابع،

۲. اقتصادهای مبتنی بر کارآیی،



۳. اقتصادهای مبتنی بر نوآوری.

مبتنی بر این گروه‌بندی اقتصاد ایران اقتصادی مبتنی بر منابع مادی، اقتصاد ترکیه اقتصادی مبتنی بر کارایی و اقتصاد آلمان اقتصادی مبتنی بر نوآوری است (WEF, 2013). اگر این مسئله را با استفاده از نمودار منحنی امکانات تولید نشان دهیم، اقتصاد ایران در زیر منحنی امکانات تولیدی خود فعالیت می‌کند و نمی‌تواند از منابع فیزیکی و انسانی موجود به‌طور بهینه برای تولید کالا و خدمات استفاده کند؛ درحالی که اقتصاد ترکیه در روی منحنی امکانات تولید خود عمل می‌کند و توانایی این را دارد که از منابع خود به‌طور بهینه استفاده کند؛ اما آلمان نه تنها می‌تواند از منابع موجود خود به‌طور بهینه استفاده کند، بلکه با نوآوری در ابزارها و محصولات، پیوسته منحنی امکانات تولید خود را به سمت بالا انتقال می‌دهد (شکل ۲).

شکل ۲. مقایسه شرایط اقتصادی سه کشور آلمان، ایران و ترکیه



با توجه به این مسئله میزان رقابت‌پذیری^۱ اقتصاد ایران در عرصه جهانی قابل توجه نیست. گزارش مجمع اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۳ (WEF, 2013) از رقابت‌پذیری کشورها، نشان می‌دهد که در این سال اقتصاد ایران در میان ۱۴۸ کشور جهان مقام هشتادودوم را کسب کرده است و جزء کشورهای مبتنی بر منابع درحال گذار از مرحله اقتصاد مبتنی بر منابع به مرحله اقتصاد مبتنی بر کارایی است. تحولات رتبه رقابت‌پذیری اقتصاد ایران در طول زمان به شرح جدول زیر بوده است.

۱. مجمع جهانی اقتصاد، سالیانه نمایه‌ای به نام «نمایه رقابت‌پذیری جهانی» تهیه و منتشر می‌کند. در چارچوب مفهومی این نمایه، برای رقابت‌پذیری یک نظام اقتصادی دوازده مؤلفه در نظر گرفته شده است که عبارتند از: نهادها، زیرساخت‌ها، محیط اقتصاد کلان، آموزش پایه و بهداشت، آموزش عالی و مهارت‌آموزی، کارایی بازار کالا و خدمات، کارایی بازار کار، توسعه بازار مالی، آمادگی تکنولوژیک، اندازه بازار، پیشرفت کسب‌وکار و نوآوری. نمایه یاد شده درجه رقابت‌پذیری و موقعیت توسعه یک نظام اقتصادی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. رتبه رقابت‌پذیری اقتصاد ایران در جهان

متغیر	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰
رتبه اقتصاد ایران	۸۲	۶۶	۶۲	۶۹
ارزش نمایه رقابت‌پذیری	۴/۱	۴/۲	۶/۳	۴/۱
تعداد کشور مورد ارزیابی	۱۴۸	۱۴۴	۱۴۲	۱۳۹

Source: WEF, 2013.

ترکیه و آلمان به ترتیب دو کشور مبتنی بر کارایی و نوآوری هستند که تقریباً جمعیتی برابر جمعیت ایران دارند. درحالی که تولید ناخالص داخلی آلمان تقریباً ۶ برابر ایران است. سهم ایران از اقتصاد جهانی ۱/۲ درصد است؛ درحالی که ۳/۸۵ درصد از اقتصاد جهان متعلق به آلمان است. ترکیه نیز در این زمینه‌ها وضعیت خیلی بهتری از ایران دارد.

جدول ۲. وضعیت عمومی اقتصاد ایران در مقایسه با ترکیه و آلمان

شاخص (در بین ۱۴۸ کشور)	ایران	ترکیه	آلمان
جمعیت (میلیون نفر)	۷۶/۴	۷۵/۲	۸۲/۳
تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	۵۴۸/۹	۷۹۴/۵	۳۴۰۰/۶
تولید ناخالص داخلی سرانه (دلار)	۷۲۱۱	۱۰۶۰۹	۴۱۵۱۳
سهم از اقتصاد جهانی	۱/۲	۱/۳۵	۳/۸۵
رتبه رقابت‌پذیری جهانی	۸۲	۴۴	۴
رتبه شدت رقابت محلی	۱۲۱	۱۵	۱۰
رتبه کیفیت عرضه محلی کالا و خدمات	۱۲۸	۵۶	۴

Source: WEF, 2013.

شدت رقابت محلی شاخص دیگری است که تقاضا برای دانش‌آموختگان آموزش عالی را تعیین می‌کند. ایران از نظر میزان رقابت محلی در مقام صدویست‌ویکمین کشور جهان قرار دارد. درحالی که رتبه رقابت‌پذیری محلی آلمان ۱۰ است. کیفیت عرضه کالا و خدمات شاخص دیگری است که می‌تواند در تقاضای دانش‌آموختگان آموزش عالی مؤثر باشد. رتبه ایران در این شاخص در جهان ۱۲۸ است. درحالی که آلمان رتبه چهارم جهان را دارد.

**ب) دانش‌بری پایین فعالیت‌های اقتصادی**

دانش‌آموختگان آموزش عالی تنها در فعالیت‌های دانش و دانش‌بری می‌توانند اشتغال مؤثر داشته باشند. حال آنکه میزان فعالیت‌های دانش و مبتنی‌بر دانش در اقتصاد ایران پایین است. جدول ۲ نشان می‌دهد که ایران در سال ۲۰۱۳ در میان ۱۴۲ کشور جهان، از نظر اشتغال دانش‌بری در رتبه ۸۳ قرار داشته است. در حالی که کشورهای آلمان و ترکیه به ترتیب در رتبه‌های ۳۶ و ۷۶ قرار داشته‌اند.

جدول ۳. شاخص‌های دانش‌بری فعالیت‌های اقتصادی در سال ۲۰۱۳

شاخص (در بین ۱۴۲ کشور)	ایران	ترکیه	آلمان
رتبه اشتغال دانش‌بری	۸۳	۷۶	۳۶
رتبه دانشکاران	۱۰۷	۸۱	۳۲
رتبه تحقیق و توسعه انجام شده به‌وسیله بخش تجاری	۵۹	۳۷	۸
رتبه تحقیق و توسعه تأمین مالی شده به‌وسیله بخش تجاری	۵۱	۳۱	۷

Source: INSEAD and WIPO (2013). The Global Innovation Index, 2013.

ج) آمادگی تکنولوژیک پایین در اقتصاد ایران

در فرآیند تولید، سرمایه انسانی (دانش نهادینه شده در انسان) و فناوری (دانش نهادینه شده در ابزار) مکمل یکدیگر هستند (انتظاری، ۱۳۸۲). به‌عبارت دیگر سرمایه انسانی باید هم از نظر ماهیت و هم از نظر سطح، مطابق با فناوری باشد. اگر سطح فناوری پایین‌تر از سطح سرمایه انسانی باشد، بخشی از سرمایه انسانی بدون استفاده باقی می‌ماند و موجب عدم اثربخشی سرمایه انسانی می‌گردد. این موضوع با توجه به شواهد در مورد این مصداق دارد. زیرا سطح فناوری در ایران پایین‌تر از سرمایه انسانی است. جداول ۴ و ۵ شاهد این ادعاست.

جدول ۴. وضعیت کمیت و کیفیت آموزش عالی

شاخص (در بین ۱۴۸ کشور)	ایران	ترکیه	آلمان
تعداد کل دانشجویان	۴,۱۱۷,۲۰۸	۳,۸۱۷,۰۸۶	۲,۷۶۳,۱۱۶
رتبه سهم فارغ‌التحصیلان از آموزش عالی	۲	۴۵	۱۹
رتبه کیفیت آموزش علوم و مهندسی	۴۰	۱۰۱	۲۱
رتبه موجودی مهندسان و دانشمندان	۳۷	۵۲	۱۷

Source: WEF, 2013.

نکته حائز اهمیت اینکه رتبه آمادگی تکنولوژیک ایران در میان ۱۴۸ کشور جهان ۱۱۶ است. وضعیت سایر شاخص‌های مرتبط نیز در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. آمادگی تکنولوژیک

شاخص (در بین ۱۴۸ کشور)	ایران	ترکیه	آلمان
رتبه آمادگی تکنولوژیک	۱۱۶	۵۸	۱۴
رتبه موجودی آخرین تکنولوژی	۱۲۱	۴۲	۱۳
رتبه جذب تکنولوژی در سطح بنگاه	۱۲۰	۳۷	۱۶
رتبه همکاری دانشگاه - صنعت در تحقیق و توسعه	۹۰	۵۳	۹

Source: WEF, 2013.

د) ضعف نوآوری در اقتصاد ایران

فناوری جدید و سازگار با سرمایه انسانی از طریق نوآوری ایجاد می‌شود. جدول ۶ نشان می‌دهد که نوآوری در اقتصاد ایران در مقایسه با کشورهای دیگر بسیار پایین است. بنابراین، نباید انتظار داشت که دانش‌آموختگان آموزش عالی اشتغال اثربخشی در اقتصاد ایران داشته باشند. رتبه نوآوری در اقتصاد ایران در میان ۱۴۲ کشور جهان ۱۱۳ است. درحالی که رتبه این شاخص در اقتصاد آلمان ۱۵ و در اقتصاد ترکیه ۶۳ است.

جدول ۶. وضعیت نوآوری در اقتصاد ایران

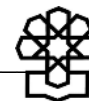
شاخص (در ۱۴۲ کشور)	ایران	ترکیه	آلمان
رتبه نوآوری	۱۱۳	۶۳	۱۵
رتبه ستانده نوآوری	۱۲۰	۵۳	۱۰
رتبه نهاده نوآوری	۱۰۷	۸۱	۲۰
رتبه کارایی نوآوری	۱۰۷	۲۹	۴۰

Source: INSEAD and WIPO (2013). The Global Innovation Index 2013.

۲-۱. اشتغال‌پذیری پایین دانش‌آموختگان

الف) ضعف کارآفرینی مبتنی بر دانش در نظام اقتصادی

فعالیت‌های دانش، دانش‌بر و مبتنی بر دانش با کارآفرینی مبتنی بر دانش ایجاد می‌شوند. درواقع، شرط لازم برای اشتغال اثربخش دانش‌آموختگان آموزش عالی در یک نظام اقتصادی کارآفرینی مبتنی بر دانش است (انتظاری، ۱۳۸۷). این درحالی است که کارآفرینی مبتنی بر دانش وضعیت مناسبی در ایران ندارد. ایران یکی از کشورهایی است که کسب‌وکار به سهولت در آن انجام نمی‌شود. رتبه‌بندی



بانک جهانی (Worldbank, 2014) از سهولت انجام کسب و کار در کشورهای جهان نشان می‌دهد که ایران در میان ۱۸۹ کشور رتبه ۱۵۲ را کسب کرده است. علت این مسئله نیز به عدم کارآیی بازارهای مالی و محیط کلان کسب و کار برمی‌گردد (جدول ۷).

جدول ۷. وضعیت منابع برای کارآفرینی

شاخص (در بین ۱۴۸ کشور)	ایران	ترکیه	آلمان
در دسترس بودن منابع مالی	۱۳۷	۲۸	۱۷
قیمت خدمات مالی	۱۳۵	۲۸	۲۰
تأمین مالی از طریق بازار سهم محلی	۸۶	۳۶	۳۴
سهولت دسترسی به وام‌ها	۱۴۸	۵۲	۴۶
در دسترس بودن سرمایه خطرپذیر	۱۳۹	۸۳	۳۳
سلامت بانک‌ها	۱۲۱	۲۰	۶۴
مقررات مبادلات اوراق بهادار	۸۲	۳۴	۳۷

Source: WEF, 2013.

ب) مهاجرت تحصیلکرده‌ها

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر اثربخشی آموزش عالی، بهره‌برداری اصولی و بهینه از سرمایه انسانی است. بررسی شاخص‌های بهره‌برداری از سرمایه انسانی نشان می‌دهد که ایران جایگاه شایسته‌ای در این زمینه ندارد. ایران در میان ۱۴۸ کشور جهان رتبه ۱۲۷ را از نظر مدیریت منابع انسانی کسب کرده است. ایران از نظر توانایی حفظ استعداد و جذب استعداد در جهان نیز به ترتیب رتبه‌های ۱۳۱ و ۱۴۵ را دارد (جدول ۸).

جدول ۸. بهره‌برداری از سرمایه انسانی

شاخص (در بین ۱۴۸ کشور)	ایران	ترکیه	آلمان
رتبه مدیریت منابع انسانی	۱۲۷	۶۶	۱۹
رتبه توانایی در حفظ استعداد	۱۳۱	۷۸	۹
رتبه توانایی در جذب استعداد	۱۴۵	۸۹	۲۰

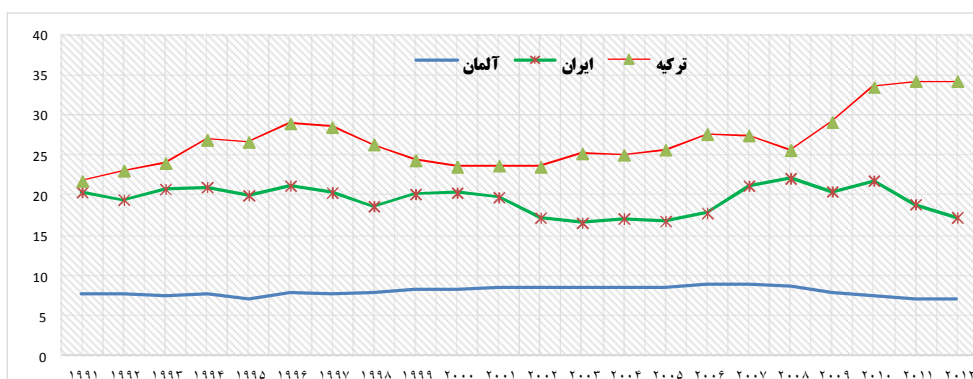
۳-۱. ناهماهنگی بازار کار دانش‌آموختگان و بازار خدمات آموزش عالی

الف) کیفیت نظام آموزشی

آموزش یک نهاد اجتماعی است که به منظور توسعه یادگیری، خلاقیت و نوآوری انسان‌ها به وجود آمده است. بنابراین، هدف اساسی آموزش و به طور کلی و آموزش عالی به طور خاص توسعه توانایی‌های یاد شده

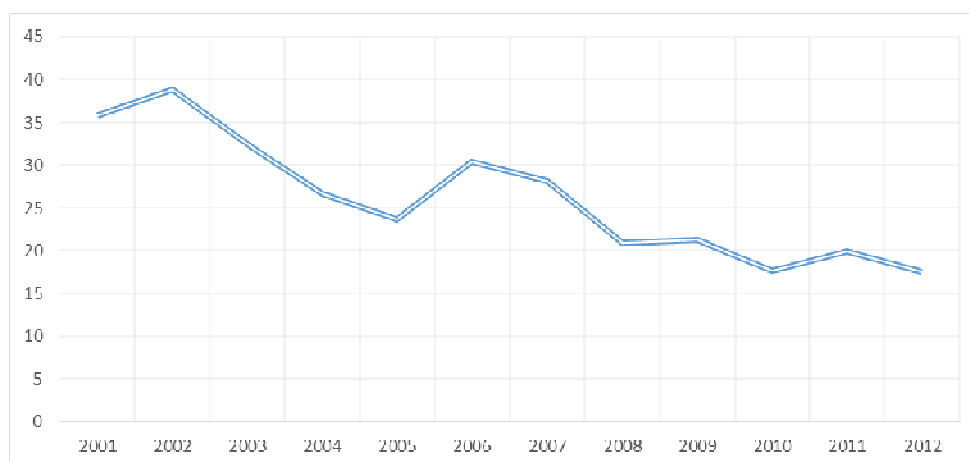
در انسان‌هاست.^۱ از آنجایی که توسعه و تعالی انسان‌ها چندبُعدی است و جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست‌محیطی دارد، آموزش عالی نیز باید بتواند توانایی یادگیری، خلاقیت و نوآوری انسان‌ها را در ابعاد مختلف توسعه دهد. ایران تقریباً جمعیتی معادل آلمان دارد؛ اما جمعیت دانشجویی‌اش دو برابر آلمان است. این امر از نظر کمی خوب است، اما از نظر کیفی جالب توجه نیست. چون نسبت دانشجو به استاد در دوره‌های حضوری خیلی بیشتر از آلمان است (نمودار ۲).

نمودار ۲. شاخص کیفیت: مقایسه نسبت دانشجو به کادر آموزشی در سه کشور

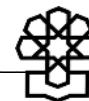


در طول دهه گذشته نسبت هزینه سرانه دانشجو به درآمد ملی سرانه مرتب کاهش یافته است. این امر اثر منفی بر کیفیت آموزش عالی گذاشته است (نمودار ۳).

نمودار ۳. شاخص کیفیت: سهم هزینه سرانه دانشجو از درآمد ملی سرانه



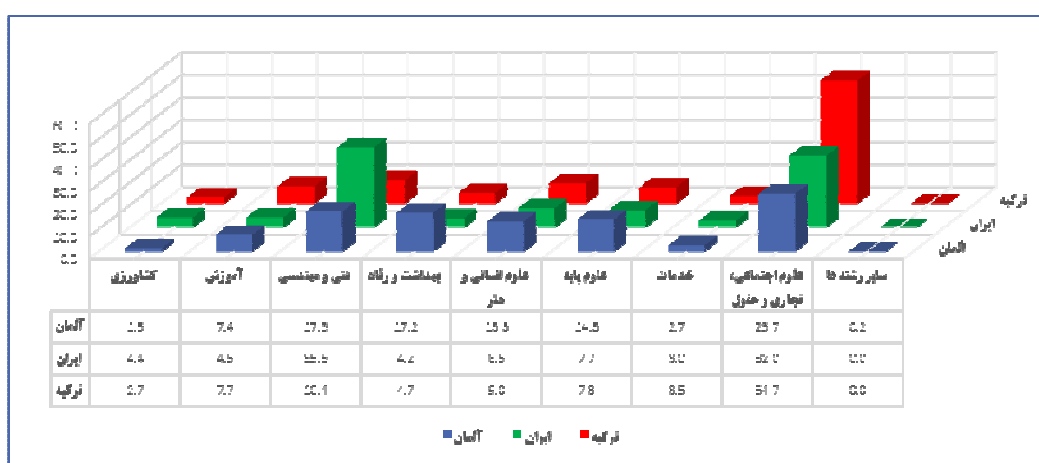
۱. لازم به یادآوری است که در گذر زمان فلاسفه، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان، روانشناسان و غیره اهداف متنوعی برای آموزش عالی ذکر کرده‌اند. برای اطلاع در این رابطه کار بون (Bowen, 1977) می‌تواند مفید باشد.



ب) ضعف برنامه‌های آموزشی و درسی

بخش قابل توجهی از برنامه‌های درسی رشته‌های دانشگاهی نظری و عمومی است. جای برنامه‌هایی برای توسعه مهارت‌های اقتصادی و اجتماعی مانند ارتباطات مؤثر اجتماعی، کارآفرینی، کار تیمی، مدیریت، مسئولیت‌پذیری، حفاظت از محیط زیست و غیره خالی است. سیکل حرفه (درک، طراحی، اجرا و عملیات) در برنامه‌های درسی تخصصی کامل نیست. برنامه‌های درسی دانشگاهی انعطاف و پویایی لازم را ندارد. این مسئله از جمله به دلیل تمرکز در تدوین برنامه‌های درسی است (نمودار ۴).

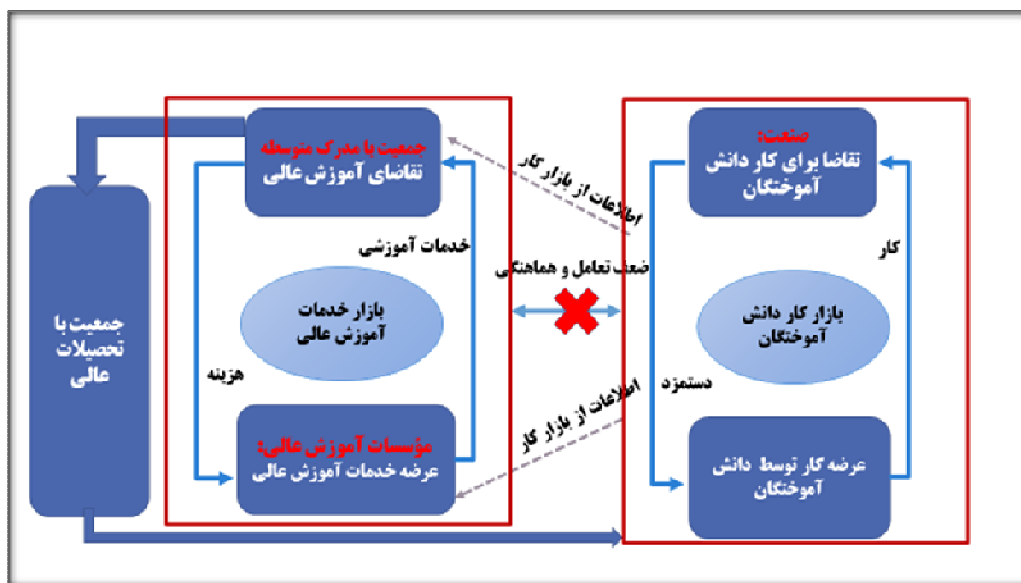
نمودار ۴. ترکیب رشته‌های تحصیلی دانشجویان در سه کشور ایران، آلمان و ترکیه



ج) ضعف تعامل و عدم هماهنگی بازار کار و آموزش عالی

اگر بازارهای آموزش عالی و کار با یکدیگر هماهنگ باشند، مشکل بیکاری دانش‌آموختگان تا حدود زیادی برطرف می‌شود و مسائلی مانند عدم تطبیق شغل و رشته تحصیلی، آموزش بیش از اندازه و کمتر از اندازه کاهش می‌یابد. با توجه به ماهیت آموزش عالی، مانند طولانی بودن مدت زمان تحصیل، اطلاعات پایین عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان از بازار کار، شایسته بودن خدمات آموزش عالی، تقاضای آموزش عالی به دلایل غیراقتصادی (دستیابی به منزلت اجتماعی بالاتر، گریز از بیکاری و خدمت سربازی، دسترسی به محیط اجتماعی دانشگاه و علاقه به رشته تحصیلی) و منافع اجتماعی آموزش عالی، دو بازار یاد شده به طور خودکار هماهنگ نمی‌شوند، بلکه این وظیفه دولت است که این دو بازار را هماهنگ کند (شکل ۳).

شکل ۳. عدم هماهنگی بازار کار و بازار خدمات آموزش عالی



در دو دهه گذشته بدون توجه به تقاضای بازار کار برای دانش‌آموختگان، سیاست پاسخگویی به تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی در پیش گرفته شده است، که اعمال سیاست مذکور دلایل مختلف و متنوعی داشته است. از جمله، فشار تقاضای اجتماعی و پیگیری توسعه صنعتی در سه دهه گذشته، پیگیری توسعه انسانی در دو دهه گذشته و پیگیری توسعه دانش‌بنیان و اهداف سند چشم‌انداز در دهه اخیر. براین اساس می‌توان دریافت که هدف از عرضه آموزش عالی در ایران، صرفاً اقتصادی نیست، بلکه اهداف توسعه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز مورد توجه است که این خود به هماهنگی بازارهای آموزش عالی و کار می‌انجامد و اثربخشی آموزش عالی در ایران را کاهش می‌دهد.

د) ضعف رژیم نهادی و نظام انگیزشی

منشأ دیگر عدم اثربخشی آموزش عالی در ایران ضعف رژیم نهادی و نظام انگیزشی است. رژیم نهادی و نظام انگیزشی به‌مثابه ابزارهای حکمرانی، نقش مهمی در مدیریت طرفین عرضه و تقاضای آموزش عالی، مدیریت بازار کار و هماهنگی بازارهای آموزش عالی و کار، بازی می‌کنند. رتبه ابزارهای حکمرانی یا مؤلفه‌های رژیم نهادی و نظام انگیزشی در میان کشورهای جهان در جدول ۹ نشان داده شده است. همچنان که از این جدول برمی‌آید، ایران از نظر ابزارهای حکمرانی جایگاه مناسبی در جهان ندارد. از میان شاخص‌های ابزارهای یاد شده رتبه جهانی ایران از نظر حفاظت از مالکیت فکری، بار مقررات دولتی بر روی کسب‌وکار، شفافیت سیاستگذاری دولت، افزایش هزینه‌های کسب‌وکار به دلیل پدیده تروریسم، اثربخشی هیئت‌مدیره شرکت‌ها و قدرت حفاظت از سرمایه‌گذار نسبت به سایر موارد بالاتر است تنها از نظر اعتماد عمومی به سیاستمداران رتبه ایران نسبتاً خوب است.



جدول ۹. رتبه جهانی ایران از شاخص‌های نهادها

متغیر	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
۱-۱ حقوق مالکیت	۷۰	۶۱	۵۵	۶۵
۱-۲ حفاظت مالکیت فکری	۱۱۴	۱۱۱	۱۱۲	۱۲۲
۱-۳ انحراف از منابع مالی عمومی	۶۲	۵۹	۵۹	۷۵
۱-۴ اعتماد عمومی به سیاستمداران	۳۹	۳۹	۳۵	۴۷
۱-۵ پرداخت‌های غیرقانونی و رشوه	۶۹	۶۵	۶۲	۷۳
۱-۶ استقلال قضایی	۶۵	۶۶	۶۳	۷۳
۱-۷ پارٹی‌بازی در تصمیمات مقامات دولتی	۴۸	۴۳	۴۱	۵۲
۱-۸ اسراف در هزینه‌های دولتی	۸۵	۶۸	۵۳	۷۴
۱-۹ بار مقررات دولتی	۹۹	۱۰۷	۱۱۶	۱۲۳
۱-۱۰ کارایی چارچوب قانونی در حل و فصل اختلافات	۷۹	۷۲	۷۷	۹۱
۱-۱۱ کارایی چارچوب قانونی در به چالش کشیدن مقررات	۱۱۲	۱۰۵	۱۰۴	۱۲۴
۱-۱۲ شفافیت سیاستگذاری دولت	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۷	۱۳۱
۱-۱۳ افزایش هزینه‌های کسب و کار به دلیل پدیده تروریسم	۱۱۹	۱۰۹	۱۰۵	۱۱۷
۱-۱۴ هزینه‌های کسب و کار به دلیل جرم، جنایت و خشونت	۱۰۱	۹۰	۷۸	۹۴
۱-۱۵ جرم و جنایت سازمان یافته	۱۰۲	۹۰	۸۸	۱۰۵
۱-۱۶ قابلیت اطمینان خدمات پلیس	۵۳	۶۰	۵۶	۶۶
۱-۱۷ رفتار اخلاقی بنگاه‌های اقتصادی	۸۴	۸۴	۶۶	۸۲
۱-۱۸ قدرت حسابرسی و استانداردهای گزارش‌دهی	۱۰۷	۱۰۵	۹۳	۱۰۵
۱-۱۹ اثربخشی هیئت‌مدیره شرکت‌ها	۱۰۱	۱۰۳	۱۰۵	۱۱۹
۱-۲۰ حفاظت از منافع سهام‌داران جزء	۹۸	۹۰	۷۸	۱۰۴
۱-۲۱ قدرت حفاظت از سرمایه‌گذار	۱۲۷	۱۳۱	۱۳۰	۱۲۳
۱-۲۲ خدمات دولت برای بهبود کسب و کار			۹۱	

Source: World Economic Forum: The Global Competitiveness Report 2013-2014; 2012-2013; 2011-2012; 2010-2011.

۴-۱. فضای فرهنگی و اجتماعی

الف) تأثیر فضای اجتماعی و فرهنگی

انسان‌ها ذاتاً خواهان توسعه و تعالی هستند. آنها به‌طور طبیعی و پیوسته (مطابق با سلسله نیازهای خود) برای خود زندگی مطلوب طراحی می‌کنند و برای رسیدن به آن ابزارها و منابع لازم را فراهم می‌سازند. «طرح زندگی مطلوب» هر فرد وابسته به میزان درک و آگاهی وی نسبت به گذشته، حال و آینده محیط طبیعی و اجتماعی خود است. فرد در طراحی زندگی مطلوب خود تمام امکانات، موانع،

فرصت‌ها و تهدیدهای طبیعی و اجتماعی را در نظر می‌گیرد. در یک محیط طبیعی همسان (فرض کنید اروپای مرکزی) افرادی که در محیط اجتماعی با موانع کمتر و تهدید کمتر زندگی می‌کنند سطح «طرح زندگی مطلوب» بالاتری نسبت به افرادی دارند که در جامعه‌ای با موانع بیشتر و تهدید بیشتر زندگی می‌کنند. اصولاً در جوامع اول افراد بیشتر امکانات و فرصت‌ها را می‌بینند تا موانع و تهدیدها. در حالی که در جوامع نوع دوم افراد بیشتر موانع و تهدیدها را می‌بینند تا فرصت‌ها و امکانات. به عبارت دیگر افرادی که در جوامع باز زندگی می‌کنند افراد خوشبین و افرادی که در جامعه بسته زندگی می‌کنند به افراد بدبین تبدیل می‌شوند. بر این اساس در یک جامعه بسته افراد از تعالی و توسعه ناامید می‌شوند. در این وضعیت یا طرحی برای زندگی آینده خود تعریف نمی‌کنند یا در سطح خیلی پایین تعریف می‌کنند، اما نیازهای تأمین نشده آنها را به طرف عقده‌های روانی و ناپایداری فکری سوق می‌دهد. البته در این بین وضعیت فرهنگی حاکم بر جامعه در خصوص فرهنگ کار نیز اهمیت بالایی دارد.

ابزارها و منابع فراهم شده توسط هر فرد برای رسیدن به «طرح زندگی مطلوب» وابسته به سطح دانش، مهارت، خلاقیت و توانایی یادگیری وی است. بنابراین افراد برای دستیابی به ابزارها و منابع بهتر و پیشرفته‌تر، تلاش می‌کنند سطح دانش، مهارت، خلاقیت و توان یادگیری خود را توسعه دهند. در یک جامعه بسته‌ای که طرح سطح پایینی برای زندگی مطلوب تعریف می‌شود، نیازی به ابزارها و منابع زیاد پیشرفته‌ای نیست. بنابراین، افراد نیازی به توسعه سطح دانش، مهارت، خلاقیت و توان یادگیری خود نمی‌بینند. نهایت اینکه فقدان انگیزه یادگیری، از کیفیت و اثربخشی آموزش عالی می‌کاهد و افراد را به طرف مدرک‌گرایی سوق می‌دهد.

۲. تغییرات جهانی و چالش‌های پیش‌روی آموزش عالی در ایران

تغییرات جهانی سریع در فناوری‌های جدید (از جمله فناوری اطلاعات، فناوری نانو، زیست‌فناوری)، پیشرفت‌نمایی در دانش، ابزار و فناوری‌های هوشمند، ارتباطات و امکانات محاسباتی در سطح جهان به کندی وارد اقتصاد ایران می‌شوند. از طرف دیگر، جهانی شدن کسب‌وکار هر روز شتاب بیشتری می‌گیرد و رقابت جهانی فزونی بیشتری می‌یابد. این تحولات شکاف دانایی اقتصاد ایران (به‌مثابه یک اقتصاد مبتنی بر منابع) از اقتصادهای مبتنی بر کارآیی و نوآوری را بیشتر می‌کند و موقعیت اقتصاد ایران را در رقابت جهانی که مبتنی بر کیفیت و نوآوری است تضعیف می‌کند. تنها راه تبدیل این چالش به یک فرصت توسعه سرمایه انسانی یادگیرنده، خلاق، نوآور و کارآفرین توسط نظام آموزش عالی ایران است، اما این خود چالش بنیادی برای نظام آموزش عالی ایران است. مؤسسات آموزش عالی چگونه



می‌توانند این توانایی‌ها را در وجود دانشجویان خود توسعه دهند و نظام اقتصادی را برای تولید، تبدیل، ترویج و بهره‌برداری از دانش یاری کنند؟

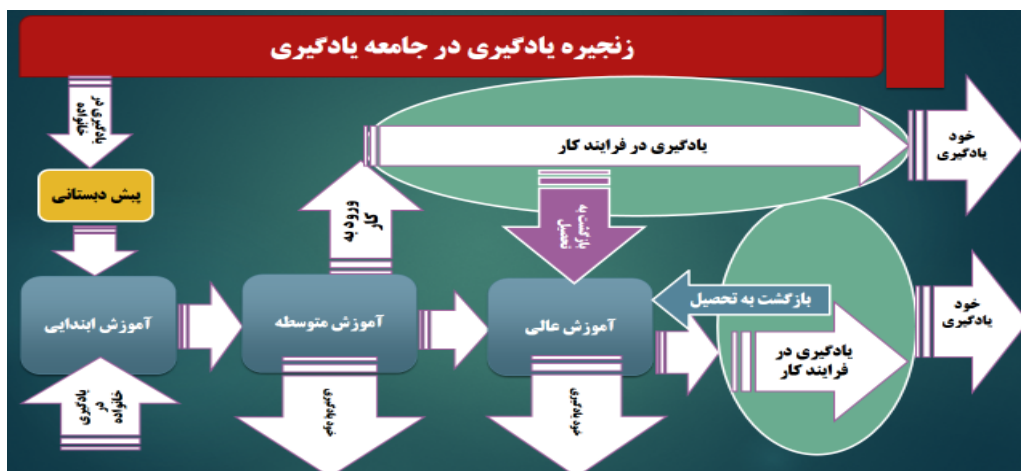
ظهور اقتصاد جهانی دانش در سه دهه گذشته مفهوم اشتغال به‌طور عام و اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی به‌طور خاص را به چالش کشیده است. امروزه مسئله تنها پیدا کردن یک شغل مناسب نیست، مهمترین مسئله حفظ آن شغل است. در واقع، در جامعه دانش اگر فرد، یادگیرنده نباشد شغلی که امسال پیدا کرده است ممکن در سال آینده از دست بدهد. از این‌رو، امروزه اشتغال پایدار به آرمان تمام کارکنان تبدیل شده است (Tin, 2006).

۳. راهبرد مناسب برای ارتقای تقاضای اقتصادی برای دانش‌آموختگان

همچنان‌که پیشتر عنوان شد، مسائل اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی در ایران چندجانبه، درهم‌تنیده و پیچیده است. از این‌رو، راه‌حل موضعی و ساده ندارد. تنها با نگاه یکپارچه و جامع‌نگر می‌توان آنها را حل کرد. بنابراین، راهبرد مناسب برای ارتقای تقاضای اقتصادی برای دانش‌آموختگان آموزش عالی، بهبود کیفیت عرضه خدمات آموزش عالی و ایجاد هماهنگی بین بازار کار و بازار خدمات آموزش عالی، ساخت اقتصاد دانش است. اقتصاد دانش زیرنظامی از نظام اقتصادی است که بنابر معمول در فضای باز فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شکل می‌گیرد و بالقوه می‌شود و از چهار نظام متعامل یعنی جامعه یادگیری، نظام نوآوری، فناوری اطلاعات و رژیم نهادی و نظام انگیزشی تشکیل می‌شود (World Bank, 2007). در سال ۲۰۱۳ اقتصاد دانش ایران در میان ۱۴۳ کشور جهان رتبه ۹۴ را به دست آورده بود. ضعیف‌ترین نظام اقتصاد دانش ایران «رژیم نهادی و نظام انگیزشی» است که نمره نسبی ۰/۷۳ را کسب کرده است. در حالی که نمره «رژیم نهادی و نظام انگیزشی» اقتصاد دانش ترکیه و آلمان به ترتیب ۶/۱۹ و ۹/۱ است (World Bank, 2012).

جامعه یادگیری، عنصر کلیدی اقتصاد دانش است. بنابراین، برای ساخت اقتصاد دانش ابتدا باید اقدام به ساخت جامعه یادگیری کرد. جامعه یادگیری جامعه‌ای است که تمام شهروندان آن یادگیرنده مادام‌العمر هستند. رسالت حکومت فراهم‌سازی فرصت برابر یادگیری برای همه و حداکثرسازی توانایی یادگیری برای تمام شهروندان است. در یک جامعه یادگیری، یادگیرنده استقلال کامل دارد؛ سازوکارهای یادگیری متنوع‌اند؛ (مانند آموزش، پژوهش، یادگیری به وسیله انجام، یادگیری به وسیله تعامل، یادگیری به وسیله استفاده)، یادگیری یک فعالیت بدون مرز است؛ یادگیرنده یک مشتری دانش است، استاد مدیر یادگیری است؛ یادگیری تکنولوژیک از تعاملات بین‌المللی به خوبی اتفاق می‌افتد و یادگیری در یک جهان متغیر شکل می‌گیرد (شکل ۴).

شکل ۴. فعالیت‌های یادگیری در جامعه یادگیری



با ساخت جامعه یادگیری به راحتی می‌توان دیگر نظام‌های اقتصاد دانش را توسعه داد و رابطه بین آنها را بهبود بخشید. با ساخت جامعه یادگیری مسئله عدم هماهنگی بازارهای آموزش عالی و نیروی کار از بین می‌رود. البته، در جامعه یادگیری آموزش عالی نقش کانونی دارد. مهمترین وظیفه نظام آموزشی در جامعه یادگیری توسعه توانایی یادگیری، خلاقیت، نوآوری یا اشتغال‌پذیری تمام شهروندان است. برای اینکه نظام آموزش عالی بتواند از عهده این وظیفه برآید باید دانش و مهارت‌های اشتغال‌پذیری و کارآفرینی را وارد برنامه‌های آموزشی و درسی خود کند.

منابع و مأخذ

۱. انتظاری، یعقوب. تحلیل رابطه بین فناوری و سرمایه انسانی در صنایع مبتنی بر دانش پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، بهار و تابستان ۱۳۸۳.
۲. انتظاری، یعقوب. کارآفرینی مبتنی بر علم؛ شرط لازم برای اشتغال اثربخش دانش‌آموختگان آموزش عالی، مجلس و راهبرد، شماره ۵۹، ۱۳۸۷.
1. World Bank (2014). Doing Business 2014: Understanding Regulations for Small and Medium-Size Enterprises. A World Bank Group Corporate Flagship, www.worldbank.org
2. INSEAD and WIPO (2013). The Global Innovation Index, 2013.
3. World Economic Forum: The Global Competitiveness Report 2013–2014; 2012–2013; 2011–2012; 2010–2011.
4. Tin, K.L. (2006). "Employability and Traits of Singaporean Workers", Research and Practice in Human Resource Management, 14(1):1-28.
5. World Bank (2007). Knowledge Economies: Advanced Strategies for Development, Website: www.worldbank.org/eca/knowledgeeconomy



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۱۶۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحلیلی بر چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی

نام دفتر: مطالعات اجتماعی (گروه آموزش عالی و تحقیقات)

تهیه و تدوین: یعقوب انتظاری (عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)

ناظر علمی: علی اخوان‌بهبهانی

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی:

۱. نوآوری
۲. کارآفرینی
۳. اقتصاد
۴. اشتغال
۵. چالش آموزش عالی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۱۱/۲۸